

## کتابچه‌ای بخط قآنی

در باره میرزا حبیب‌الله قآنی شیرازی در مجلدات بیست و چهارسالهٔ یفما جای جای مطالبی نوشته شده که همه مستند و موثق است. نمیدانم در کدام مجله است که تاریخ وفات قآنی را مرحوم فرهاد میرزا معتمدالدوله بدقت، با تعیین ساعت و روز و ماه و سالش یادداشت کرده است (وفات در سال ۱۲۷۰ هجری قمری) قطعه‌ای از خط او را هم در مجله میتوان دید، و همچنین شرح حالی که دکتر محمد جعفر محجوب از او نقل فرموده، و دیگر مطالب متفرقه مربوط به این شاعر معروف؛ و باید کسانی که در شرح احوال و اشعار این شاعر تتبع می‌کنند مجلدات بیست و چهار سالهٔ یفما را از آغاز تا پایان مطالعه فرمایند.

اخیراً هم کتابچه‌ای از یادداشت‌های قآنی متعلق به یکی از دوستان دانشمند (محمد مشیری) بچنگ افتاده که اعتبار و ارزشی بسزا دارد، و سزاوار است کتابخانهٔ مجلس شود یا کتابخانهٔ دانشگاه یا کتابخانهٔ آستان قدس این رساله را از صاحب آن خریداری کنند، (اگر صاحبش بفروش داضی شود.)

در این کتابچه قآنی چند قصیده از خود را بخط خود نوشته که بنده را مجال آن نیست که دیوانش را مطالعه کنم و دریابم که آیا این اشعار در دیوانش هم هست یا نه.

### دَسْ پِدا سَدَن مِکِی نِیا

حرفی در قولی نسبت زینهار سبب با در کلام بجز در بعضی تصانیف خود نیست که در این وقت نوشت  
 که بحر هجلیست؛ بر در وسع شرح و در بر این بر سبب از بعضی گوید در ۱۲۱۲ مسیح مطبوع شد ۱۲۱۲ هجری  
 بجهت کلمهٔ اینها  
 در حضرت زینب حب در سلاک نفس خیره بجز او چه می‌توانست گفت از کلام  
 سیکه زینب و اول شعر زینب که جزیرهٔ زاینده بود از جزایر فارس است که در این زمان در آن سرزمین  
 و عسل بجز در دیگر کجاها نیست و بسبب وجود در این خطا که در بعضی نسخه‌ها زینب در کلام  
 بسم اگر فی مشهور شرح در سبب اول در در سبب زینب در کلام  
 حبیب‌الله شیرازی در کلام

قسمت‌های دیگر این یادداشت گوناگون است، بیشتر در قواعد حساب و هندسه که علاقه شاعر را به ریاضیات حکایت می‌کند، و دیگر قطعاتی از نظم و نثر عربی است و دیگر نشانه‌های تلگراف مورس و از این گونه مباحث تفنی.

برای نمونه چند قسمت از این کتابچه را گراور می‌کند که بینندگان را حظ‌بصری باشد، زیرا خط قآنی بسیار پخته و زیباست چنانکه یغمای جندقی معاصر او هم در زیبایی و پختگی خط استادی مسلم است، و گویا شاعران و بزرگان عصر قاجاریه خوبی خط را از فضایل اساسی می‌شمردند (غیر از سروش اصفهانی که خطش ناخوانا بوده است).

من بیت قری لفتیس غم زنده  
تا باغی که در آن باغی غم زنده  
دردی من بسته‌ای من بی‌خسبه آنکه  
لطفی زنده از روی خندانان  
پراگنده که لفظی حال اما داستانه  
من لفظی حالت کل امروزه کانت حسه و لکن ایست

اندر حرج مره الا صیبه و در است فرج و لخصه نفع  
صیبه و لکن بصرع من علفه در رجه هر است من صفتی  
صفتی و صفتی صفتی صفتی صفتی صفتی صفتی  
هم صفتی صفتی صفتی صفتی صفتی صفتی

در آن خلد و در وضع الام نمرة و هر بر و هر بر و هر بر و هر بر  
و که ک صمف العرب بقوله من نقل فقه اجط و کین و کین و کین و کین  
کانت من نمرة و در و کین و کین و کین و کین و کین و کین و کین و کین  
و نقل صده و کین و کین و کین و کین و کین و کین و کین و کین و کین  
نیز من عجمه و کین و کین و کین و کین و کین و کین و کین و کین و کین

خد

اشعاری از قآنی که درین کتابچه است استنساخ شده ، اما مجالی میخواهد که این قصاید با قصایدی ، که در دیوانش چاپ شده است مقابله شود و اگر در دیوانش نباشد در سال آینده مجله ینما ( اگر مجله باشد ) بچاپ رسد .

باید اشاره کرد که در بعضی از صفحات این کتابچه که سفید مانده دیگران هم یادداشت هایی دارند که ممکن است نقل آنها بی ارزش نباشد .

الأثر ما طبعی و یقیم ذلك في بحر الأثر ما طبعی والوجه الآخر الذي يبين خواص العمود البراهين المتعاقبات  
وجمع خواص العمود المراد البراهين بر المبرهنين بره المتعاقبات الثلثة او برح اليها والوجه ثانی من خواص العمود

يخرج من هذه المقالة

ثم استعمل بصارفة المقالة له منه اذا وضع المقادير في عمودها من غيرها فمجردا ، والا وهو في الأثر او يكون في كل نسبة  
بر المبرهنين المراد كون ذلك المقدر للموضوع ، فقياس اليه على الثلثة هو نسبة النصف كسبة العشرة الى العشرين مثلا  
الثان لان نسبة الواحد الى الاثنان هو كسبة الثلثة وقر نسبة النصف كسبة العشرين الى العشرة مثلا هو كسبة  
الواحد الى النصف ككسبة الثلثة والقياس اليها كسبة النصف الى الثلثة عشرين مثلا والواحد الى النصف وقر نسبة عشرين  
ثمان وقر نسبة ثلثه ارباع الى اتمام كسبة الثلثة الى اربعين مثلا وهو ثلاث وثلث وثلث اربعة وثلث اربعة اربعة اربعة  
والمراد بتضعيف بعض اجزاء النسبة او بعضها ببعض ضرب بعضها ببعض واما في احكام كسبة او صحاح كسبة كسبة  
بعضها في بعض كان اى حصل قسمة المولفة واما بخرتها فهي قسمة جزر البعض على جزر البخر مفروضة لبعض اجزاء النسبة  
مثال القسمة نسبة الارب الى ثلث نسبة باء الاح ، لربع ولانها هي قسمة الاول للثاني وقر نسبة الثلثة للثانية رابعة  
ضرنا الثلثة الى الاربة حصل اثنان عشر وقر قسمة المولفة الحادية فاذا قسنا الواحد الى كان نصف الثلثة هو اربعة اربعة  
احادية مثال اخر عشرة وثلثة وستة نسبة العشرة الى الثلثة ثلثة اربعة اربعة اربعة الثلثة الى الارب  
وقر نسبة الارب الى ثلثة احادية وقر نسبة الثانية ثمان واحاصل من ضرب احداهما في الاخر ثلثة اربعة اربعة اربعة العشرة  
الى الثلثة اربعة اربعة اربعة اربعة اربعة اربعة اربعة اربعة اربعة اربعة اربعة اربعة اربعة اربعة اربعة اربعة اربعة اربعة  
على قسمة الثلث هو ثلثة اربعة اربعة اربعة اربعة اربعة اربعة اربعة اربعة اربعة اربعة اربعة اربعة اربعة اربعة اربعة اربعة اربعة  
و هو قسمة الثلث اقل من شرح المحطلي حرره احسن المحققين في يوم الثمان اثنان عشر



در بیان نجوم

بحر صفت اول این کرد و در شب در دگر در خیز انقسم در زمان را محیط کعبه و اولین  
 آنکه در بعضی جاها محاط است دیش دگر در زمین چهار است آب بحر سها به سجد ۲ بحر محیط کعبه  
 ۳ بحر محیط جنوبی است ۴ بحر محیط غربی دیش دگر در یک زمین قسم آب بحر سها است  
 احاطه که ۲ بحر جنوبی است غرب از احاطه ظهر و اضع میانه بر قبا و آب است و از آن بحر شمالی است  
 نیز خیزند چه موجب ریح شده در آن در وقوع است این دگرهای دنیا می فرم آب بحر لطن  
 آن کوه فرسفت است در شرق صیفی در دینا وقت و آنرا بحر صیفی مستقیم گویند ۳ مد پتین در آن  
 اعظم از جهان بحر صیفی است هر وقت در میان در و با فرقی و آنچه ازها بحر صیفی درین ارضی است  
 کرده و آنرا دریای اطالی خوانند عم آن دگر معتدلی از بحر صیفی است در میان در و با و آب است  
 ۴ مر مرا بحر سیه ۲ از آن دگر بحر سیه است میگردد بحر خز در شمال چشم است بحر سیه  
 در میان عربستان بحران وقت آب بحر قزم در میان قبا و فرقی است و آنچه در طرف کین دنیا  
 از آن دگر است اول در طبع دگری است در آنرا کور فرقی قلیفور یا بزرگویند ۲ کور فرقی حوض  
 ۳ کور فرقی با فین و این کور فرقی است سال مرتعی سالی میزند در آن سالی که در آن  
 قوی و در صوم ۲ هر فقیه و احرام کمال

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ